

اعترافِ شهید

(اعترافاتِ جنگ - 2)

دستِ دلالتِ جنگ از میهنم کوتاه

من یک شهیدم
ترکه‌های بمبی پاره‌هام را
مثل اسباب‌بازی بچه‌ها
به هر گوشه‌ی میدان انداخت
و چون هردو کشور پاره‌هایی از مرا یافتند
شهیدِ گم‌نام هردو طرف گشتم
من اعتراف می‌کنم که هیچ‌کس مرا به رفتن به جبهه مجبور نکرد
من خودم رفتم
چاره‌ای نداشتم

رضا هیوا
لانه

2012-01-21#01.35